

طرح هلال شیعی؛ فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ایران

ایوب ناصری راد^۱

۱۳

دوره ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۳
بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۰۳/۰۵
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۱/۲۰
صص: ۳۱-۷

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۵۶۴X
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۵۵۱



CC BY-NC-SA

چکیده

حوادث منطقه خاورمیانه به‌خصوص پس از سقوط صدام، موجب گردیده نظم موجود در منطقه بهم بریزد. هم‌زمانی ورود احزاب شیعی در عراق با حوادثی از جمله جنگ‌های ۳۳ روزه و تحولات لبنان موجب شده اصطلاح هلال شیعی از سوی شیخ‌نشین‌های سنی منطقه رواج پیدا کند. آن‌ها از به‌هم‌خوردن تعاملاتی که ایران شیعی در آن نقش داشته باشد به‌شدت ترس و واهمه پیدا کرده و به دنبال حفظ موقعیت خود می‌باشند. این مقاله در چارچوب واقع‌گرایی نئوکلاسیک و به روش توصیفی-تحلیلی در نظر دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که طرح هلال شیعی دارای چه فرصت‌ها و چه چالش‌هایی برای ایران می‌تواند باشد؟ افزایش انگیزه در شیعیان منطقه برای ایفای نقش فعال، روی کار آمدن شیعیان در دستگاه‌های اجرایی کشورهای عربی که مدافع ایران هستند و افزایش جمعیت شیعه، افزایش نقش ژئوپلیتیکی و تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای، نقش آفرینی در تعاملات نظامی به‌خصوص بعد از مبارزه با داعش، از جمله فرصت‌هایی است که برای ایران وجود دارد و نیز چالش‌هایی از جمله رواج ایران‌هراسی و ایجاد تنش بین سنی و شیعه، رقابت تسلیحاتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، افزایش تنش با عربستان، تنش با اسرائیل، افزایش ضدیت بین ایران و آمریکا در منطقه، از خطراتی است که ایران در فعالیت در قالب هلال شیعی با آن مواجه است.

کلیدواژه‌ها: طرح هلال شیعی؛ ژئوپلیتیک شیعه؛ ایران؛ امنیت؛ فرصت.

DOI: 10.22080/jpir.2024.25532.1332

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

برخلاف وقوع انقلاب اسلامی و روی کار آمدن یک حکومت شیعی در منطقه باعث تغییر استراتژیک در معادلات منطقه‌ای شده است. به طورمثال تا قبل از این انقلاب، اسرائیل به صورت دوفاکتو مورد پذیرش رژیم پهلوی قرار گرفته بود. در سطح بین‌المللی نیز ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ستون‌های آمریکا در منطقه حافظ منافع این قدرت بوده است. اما وقوع انقلاب تمام معادلات را برهم زده و باعث شد این کشور نوع جدیدی از رویکردها را در خصوص کشورهای اطراف و محیط بین‌الملل در پیش بگیرد. در کنار این موضوع ایران از نظر جمعیت شیعی بیشترین میزان را در منطقه دارد و نیمی از منطقه خلیج فارس که دارای ذخایر انرژی مهمی است نیز در اختیار ایران می‌باشد. این عوامل باعث شده قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای با عبارت هلال شیعی سعی کنند ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی را در منطقه رواج دهند. طرفداری از ایران عمدتاً پس از ۲۰۰۳ و روی کار آمدن رژیم شیعی در عراق بیشتر شد و اعراب به‌نوعی امنیت خود را در معرض خطر احساس کردند.

توال در تعبیر ژئوپلتیکی، مذهب شیعه را به‌عنوان موضوعی که از ماهیت ژئوپلتیک برخوردار است، در نظر گرفته و چنین استدلال می‌کند که نقطه ثقل جغرافیایی شیعیان، مناطقی است که بر روابط قدرت در سطح جهان تأثیرگذار است. برای مثال شیعیان ساکن در کرانه‌های خلیج فارس، دارای اهمیت ژئوپلتیک هستند (توال، ۱۳۷۹: ۲۰). این مقاله در نظر دارد تا این سؤال را پاسخ دهد که طرح هلال شیعی برای ایران دارای چه منافع و چالش‌هایی است؟ افزایش انگیزه در شیعیان منطقه برای ایفای نقش، روی کار آمدن شیعیان در دستگاه‌های اجرایی کشورهای عربی که مدافع ایران هستند و افزایش جمعیت شیعه، افزایش نقش ژئوپلتیکی منطقه‌ای ایران و تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای، نقش‌آفرینی در تعاملات نظامی به‌خصوص بعد از مبارزه با داعش، از جمله فرصت‌هایی است که برای ایران وجود دارد و نیز چالش‌هایی از جمله رواج ایران‌هراسی، ایجاد تنش بین سنی و شیعه، رقابت تسلیحاتی کشورهای شورای خلیج فارس، رقابت با عربستان، تنش با اسرائیل، افزایش ضدیت بین ایران و آمریکا در منطقه، از خطراتی است که ایران در فعالیت در قالب هلال شیعی با آن مواجه است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

مقالاتی که در این زمینه نوشته شده عبارت‌اند از: مقاله حقیقت‌شناس کماچالی و همکاران (۱۴۰۰) "تأثیر تحولات ژئوپلیتیک کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با محوریت عربستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی"، متقی و همکاران (۱۳۹۲) "بررسی نقش ژئوپلیتیک انرژی در مفهوم‌سازی هلال شیعی"، معروف "ویژگی‌های جغرافیای قلمروهای شیعه‌نشین «هلال شیعی»"، ضرغامی و همکاران (۱۳۹۳) "ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)"، جمالزاده و آقایی (۱۳۹۴) مقاله "تأثیر ایران‌هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس از منظر نواقع‌گرایی"، مسعود صادقی (۱۳۹۸) "ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در جهان امروز؛ راهکارهای فرهنگی مقابله با آن"، جاودانی‌مقدم (۱۳۹۱) "ژئوپلیتیک‌نویین تشیع در خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" و منابع خارجی بلال ساب و بری پاول (۲۰۱۵)، "تعادل هنری: استراتژی دفاعی آینده ایالات متحده و موقعیت نیرو در خلیج فارس"، گیرابالپ کاراکو (۲۰۲۰)، سیاست واقعی ایران و انگیزه سیاسی شیعه، روابط ایران و عراق و راهبردهای پان شیعه، ماری لدر فولاد (۲۰۲۲)، روابط ایران و عراق و راهبردهای پان شیعه در این مورد مقالاتی به رشته تحریر درآوردند.

به‌طورکلی مقالاتی که به رشته تحریر درآمده‌اند، مسأله هلال شیعی را بیشتر از منظری فرهنگی و گفتمانی مورد بررسی قرار داده‌اند و یا مسأله امنیتی‌شدن منطقه و نظامی‌گری را به مسأله هلال شیعی و گسترش ژئوپلیتیک شیعه مربوط دانسته‌اند. مقاله پیش رو در نظر دارد تا با دیدگاهی نئوکلاسیک به مسأله بنگرد و در کنار فرصت‌ها به چالش‌هایی که بحث هلال شیعی برای ایران به وجود آورده نیز بپردازد.

۳. چارچوب نظری

واقع‌گرایی نئوکلاسیک به‌طورکلی به چرایی می‌پردازد و فقط به چگونگی اهمیت نمی‌دهد و از طرفی در تبیین ابعاد روابط بین‌الملل به تئوری و اندیشه‌ها در واقعیت نیز اهمیت می‌دهد و در ایده‌های صرف محصور نیست و سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌های واقع‌گرایی کلاسیک را می‌شکند و به دنبال رفع کاستی‌های واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی است (سلیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۳):

۱۶-۱۷). در واقع تئوری پردازان واقع‌گرایی نئوکلاسیک این مفروضه واقع‌گرایی را که امنیت، تنها هدف دولت در نظام آنارشیکی بین‌الملل است، طرد می‌کنند و در عوض بر این باورند که دولت‌ها تلاش می‌کنند تا با افزایش قدرتشان نظام بین‌الملل را به سمت اهداف و ترجیحات خود هدایت کنند. بنابراین دولت‌هایی که از قدرت بیشتری برخوردارند، سیاست خارجی بلندپروازانه‌تری را دنبال می‌کنند (Rose, 1998: 152). آن‌ها می‌گویند امنیت، همه منافع نیست و مواردی از جمله هژمونی فرهنگی، دستیابی به فضای حیاتی، کسب وجهه مناسب در محیط خارجی و حرص و آز نیز جزوی از منافع دولت‌ها است. دولت‌هایی که به صورت انقلابی رفتار می‌کنند بیشتر به دنبال بازنگری در جایگاه خود و قدرت بیشتر هستند تا امنیت بیشتر؛ و به بازی با حاصل جمع متنوع اعتقاد دارند (سلیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۲۸-۲۵). به‌طور کلی واقع‌گرایی نئوکلاسیک به‌گونه‌ای واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی را در هم آمیخته است. از طرفی عقاید نوواقع‌گرایان در مورد آنارشی بین‌المللی را قبول دارند، اما محدودیت این نظریه در مورد راهبرد سیاست خارجی را نمی‌پذیرد و از طرف دیگر مانند واقع‌گرایان کلاسیک تأثیر ویژگی‌های کشورها و متغیر سطح واحد را بر رفتار دولت‌ها مورد توجه قرار می‌دهند. آن‌ها سیاست داخلی را به‌عنوان یک متغیر میانجی در نظر می‌گیرند و تحلیل بین توزیع قدرت نسبی و سیاست خارجی را در بستر داخلی و بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌دهند (حق شناس، ۱۳۹۲: ۶۶۲-۶۶۱). آن‌ها نخبگان را میانجی در سیاست می‌دانند. قائل شدن این نقش برای نخبگان سیاسی به ما کمک می‌کند تا تحلیل‌های سازانگاران را با تبیین‌های واقع‌گرایانه مبتنی بر ملاحظات ژئوپلتیک تلفیق کنیم و یا به بیان دیگر ترجیحات ذهنی -تفسیری و الزامات مادی -ساختاری را هم‌زمان در تحلیل خود بگنجانیم (کولایی و عابدی ۱۴۰۱: ۶۲). به باور واقع‌گرایان نئوکلاسیک رفتار دولت‌ها در برابر تهدیدات یکسان متفاوت است و چهار مؤلفه اجماع نخبان، انسجام نخبگان، آسیب‌پذیری داخلی رژیم و انسجام اجتماعی مواردی است که به‌عنوان متغیرهای غیرنهادی یا انسانی ظرفیت یک دولت را در استخراج و بسیج منابع در تصمیم آن‌ها نقش دارد (سلیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۴). این مکتب همچنین توضیح می‌دهد که چگونه عوامل مختلف روان‌شناختی، فکری و فرهنگی ممکن است بر نحوه درک بازیگران سیاسی از توانایی‌های خود و دیگران و چگونگی ترجمه چنین برداشت‌هایی به سیاست خارجی تأثیر بگذارد (Rose, 1998: 168).

یکی از این موارد درک بازیگران از مفهوم شیعه و پتانسیل‌های این مورد است. همچنین نقش سطح خرد و نخبگان در این بررسی که به گسترش تفکر شیعی دامن می‌زند و مبحث فشارهای سیستمی که از جانب قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز در این اندیشه حاکم است ما را در بررسی موضوع ژئوپلیتیکی شیعه و ابعاد فرصت و تهدیدهای آن در این مقاله قابل پیوند می‌باشد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۴. طرح هلال شیعی

بعد از سقوط صدام در عراق و روی کار آمدن حزبی شیعی در این کشور کشورهای سنی‌نشین منطقه به این مورد واکنش نشان دادند. هم‌زمان با انتخابات در عراق، شورای قانون-گذاری در فلسطین و تحولات لبنان و وقوع جنگ ۳۳ روزه حزب الله و اسرائیل نیز به وقوع پیوست و قدرت‌گیری شیعیان در منطقه را دو چندان کرد. ملک عبدالله پادشاه اردن به‌عنوان اولین کسی بود که اصطلاح هلال شیعی را در ۲۰۰۴ به‌کار برد و در مورد این حوادث اذعان داشت اگر احزاب طرفدار ایران بر دولت جدید عراق مسلط شوند یک هلال جدید شامل جنبش‌ها و حکومت‌های مسلط شیعه از عراق، سوریه و لبنان ظاهر خواهد شد که موازنه قوا را بین شیعه و سنی بر هم خواهد زد (پورااحمدی و جمالی، ۱۳۸۸: ۱۰-۹). پس از آن وزیر امور خارجه عربستان و همچنین رئیس‌جمهور مصر نیز چنین اظهاراتی را تکرار کردند و از اینکه شیعیان در دنیای عرب به ایران وفاداری خود را ابراز کنند، ابراز نگرانی کردند.

در این راستا نگرانی از افزایش نقش و نفوذ ایران در قالب هلال شیعی، سبب انسجام کشورهای سنی‌مذهب در برابر گروه‌های شیعی عراق شد که پس از حزب بعث در ۲۰۰۳ روی کار آمدند. اکنون شیعیان در قدرت بودند درحالی‌که رژیم بعث سنی بود و شیعیان را محدود می‌کرد (معروف، ۱۳۹۲: ۲۷۰). در واقع مفهوم هلال شیعی به حرکت شیعیان در حوزه ژئوپلیتیکی که شامل ایران و افغانستان و پاکستان تا مناطق عراق، سوریه و لبنان می‌شود، توجه می‌کند و این نکته را بیان می‌دارد که ایران رؤیای تأسیس امپراتوری شیعیان فارس را در سر دارد (Keskin, 2008: 30). بعد از روی کار آمدن حزب شیعه در عراق، ژئوپلیتیک شیعه در برابر سنی تقویت شد و طرح هلال شیعی قوت گرفت. از دیدگاه کشورهای سنی‌نشین مانند عربستان، اردن، کویت،

تهران متحدانش را در بغداد، دمشق و بیروت کنترل می‌کند و از آنجایی که بیشترین مناطق نفت‌خیز نیز در خلیج فارس وجود دارد و در اختیار شیعیان است، این تهدید برایشان مضاعف بود. مقامات امریکایی نیز در برجسته‌سازی مفهوم هلال شیعی اذعان داشته‌اند در کنار ایران و عراق که دارای بیشترین جمعیت شیعه است، کشورهای لبنان و بحرین دارای جمعیت شیعی و سوریه با حاکمیت اقلیت شیعه علوی و گروه شیعیان عربستان واقع شده‌اند و به دلیل اینکه در منطقه نفت‌خیز سکونت دارند، با شکل دادن به یک هلال ژئوپلتیک منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهند (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۰-۱۰۹). از آنجاکه دشمنی بین ایران و آمریکا از ابتدای انقلاب همواره از طرف مقامات ایرانی مطرح بوده است، اظهاراتی مبنی بر تشکیل هلال شیعی توسط آمریکا به تحریک بیشتر قدرت‌های سنی منطقه منجر شده بود.

۵. فرصت‌های ایران در ژئوپلتیک شیعه

از نظر واقع‌گرایی نوکلاسیک ممکن است بتوان دولت‌های خواهان حفظ وضع موجود را همچنان در جست‌وجوی امنیت دانست اما انقلابیون پیش از آنکه به دنبال امنیت خود باشند، در پی بازنگری در جایگاه نظام‌مند خود هستند و ممکن است بخواهند امنیت را با قدرت تاخت بزنند (سلیمی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۲۷). از جانبی قدرت نیز تنها جنبه مادی ندارد و مسائل غیرمادی خود باعث افزایش قدرت می‌گردند. مهم‌ترین فرصت‌هایی که ژئوپلتیک شیعه در اختیار ایران قرار داده است، عبارت‌اند از: تقلیل یافتن مشروعیت و قدرت حاکمان سنی منطقه؛ افزایش نقش ایران در مسائل مربوط به اعراب، افزایش نفوذ ایران بر گروه‌های فلسطینی، افزایش قدرت شیعیان در منطقه و اهرمی برای مقابله با سیاست‌های آمریکا در منطقه؛ بازتعریف نقش منطقه‌ای ایران، به منزله یک قدرت منطقه‌ای؛ از بین رفتن حکومت صدام حسین؛ حمایت از ملت‌های مظلوم منطقه (ضرغامی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۷). قدرت‌یابی شیعیان مورد حمایت ایران در کشورهای منطقه از جمله فرصت‌های این امر است:

عراق: اشغال عراق توسط آمریکا در مارس ۲۰۰۳ فصل جدیدی را در تاریخ سیاسی این کشور گشود. در ۹ می ۲۰۰۳، پل برنر در عراق به جای ژنرال جی گارنر، مدیر دفتر بازسازی و

کمک‌های بشردوستانه شد. دولت آمریکا به دلیل اراده قوی خود برای اتخاذ سیاستی برای «بعث-زدایی» از جامعه عراق، باعث حمایت از فرقه‌گرایی در این کشور شد (ladier fouladi, 2022: 6). اولین گام در این مسیر با به‌اصطلاح شورای حکومتی عراق (مجلس الحوکم) که جایگزین دولت صدام حسین بود، آغاز گردید. یعنی ایجاد یک سیستم دولتی که بتواند گروه‌های قومی و مذهبی مختلف عراق را در خود جای دهد (7: Brancati, 2004). منظور این طرح است این بود که کردها، سنی‌ها و شیعیان باید در اداره کشور مشارکت داشته باشند. شورای حکومتی عراق که سه ماه پس از اشغال بغداد تشکیل شد، بر همین اصل استوار و متشکل از ۲۵ عضو بود و تقسیمات قومی و مذهبی آن شامل ۱۳ شیعه، ۵ سنی، ۵ کرد (همچنین سنی)، ۱ ترکمن و ۱ آشوری می‌شد (Evans, 2003). نکته قابل توجه این است استراتژی آمریکا به‌طور گسترده‌ای درهای عراق را به روی جمهوری اسلامی ایران باز کرد. ایران این کار را از طریق سپاه قدس انجام داد. افرادی مانند الجعفری و نوری‌المالکی با سمت نخست‌وزیری که نیمی از تبعید خود را در دوره گذشته در ایران گذرانده بودند نیز به جایگاه ایران در این کشور افزودند. به دنبال آن به دلیل نزدیکی نوری‌المالکی به تهران، روابط دیپلماتیک، اقتصادی و فناوری بین دو کشور از سر گرفته و تحکیم شد (6: ladier fouladi, 2022). نخست‌وزیر المالکی در اولین دوره ریاست‌جمهوری خود (۲۰۱۰-۲۰۰۶) موفق شد عراق را به حکومت تک‌حزبی تبدیل کند و اکثریت شیعیان از سیاست او علیه سنی‌ها حمایت کردند. در نهایت، این منجر به پاکسازی قومی سنی‌ها شد، به‌ویژه در بغداد. به‌عنوان مثال بغداد از حدود ۴۵ درصد سنی در سال ۲۰۰۳ به تنها ۲۵ درصد سنی در پایان سال ۲۰۰۷ رسید. در واقع فرقه‌گرایی مالکی منجر به تبدیل بغداد به شهری عمدتاً شیعه شد (Cole, 2014). نقش ژئوپلیتیک ایران با وجود این موارد و همچنین وجود اماکن شیعه در عراق و وجود شیعیان در منطقه نفت‌خیز جنوب عراق مضاعف گردید (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲۲). این مورد خود گواه بر نقشی است که ایران می‌تواند در این کشور داشته باشد تا برخلاف گذشته از انزوا بیرون آمده و نقش بارزی در تصمیمات منطقه‌ای داشته و همراهی دیگر کشورها با خود داشته‌باشد.

ایران و حزب الله: پیروزی حزب الله در جنگ ۳۳ روزه علیه اسرائیل در ۲۰۰۶ سبب تقویت محبوبیت این جنبش به‌عنوان قهرمان جدید اعراب شد و زمینه تغییر سیاسی دولت را در لبنان

فراهم نمود. این پیروزی همچنین تثبیت شیعیان در جغرافیای سیاسی شیعی را فراهم کرد و سبب گسترش نفوذ ایران با بازیگری این جنبش در جنگ نیابتی آمریکا و اسرائیل با ایران شد که به تقویت قدرت ایران و گسترش نفوذ آن در منطقه انجامید (جاودانی مقدم، ۱۳۹۱: ۴۳). ایران روابط خود با حزب‌الله را برای عملیات خود در سراسر خاورمیانه حیاتی می‌بیند. حزب‌الله پس از تهاجم اسرائیل در سال ۱۹۸۲ و اشغال آن در طول جنگ داخلی لبنان شکل گرفت و به یک گروه سیاسی مسلمان شیعه با شاخه‌ای مبارز تبدیل شد. ایران و حزب‌الله با نفرت مشترکشان از اسرائیل، از دهه ۱۹۸۰ با هم متحد بوده‌اند (Richards, 2015:22). ایران که خود را به‌عنوان یک قدرت رو به رشد در خاورمیانه می‌بیند، از حزب‌الله به‌گونه‌ای استفاده کرده است که به تهران اجازه می‌دهد به طور غیرمستقیم در چندین عرصه منطقه‌ای شرکت کند. از آنجایی که ایالات متحده به امنیت اسرائیل علاقه دارد، حزب‌اللهی که از بودجه خوبی برخوردار است این هدف را تهدید می‌کند و ایران را قادر می‌سازد تا سیاست‌های خود را در شام به نمایش بگذارد (Richards, 2015:22). در لبنان، ایران می‌خواهد منافع هژمونیک منطقه‌ای خود را تضمین کند و به تأثیرگذاری بر درگیری اعراب و اسرائیل به‌عنوان ابزاری برای تقویت موقعیت منطقه‌ای گسترده‌تر خود در خاورمیانه که عمدتاً عرب سنی هستند، ادامه دهد.

سوریه: سوریه بیش از ۳۰ سال است که متحد استراتژیک ایران بوده و عنصری حیاتی در هدف ایران برای شکل دادن به وضعیت امنیتی مطلوب در لبنان و در امتداد مرز شمالی اسرائیل باقی مانده است. از آنجایی که ایران به سوریه نیاز دارد تا به عنوان "مجرای اصلی ارسال تسلیحات و حمایت مادی ایران از حزب‌الله لبنان" و "تأثیرگذاری بر وضعیت لبنان و عرصه اعراب و اسرائیل" عمل کند، ایالات متحده آمریکا به دنبال تغییر جهت دادن نقش سوریه به‌عنوان دروازه ایران به شام است (godarzi, 2013). ایران سوریه را جزء استراتژیک سیاست گسترده‌تر خود می‌داند. همان طور که راندا اسلیم، مدیر مؤسسه خاورمیانه بیان کرد "سیاست ایران در سوریه تحت تأثیر عوامل مختلفی است: دفاع از متحد قدیمی که از انقلاب ۱۹۷۹ از تهران حمایت کرده است، حفظ مجرای تسلیحاتی برای حزب‌الله، مبارزه با ائتلاف ضد افراطی سنی که هدف آن تضعیف عراق و سوریه است و جلوگیری از ایجاد یک رژیم سنی یا ضد شیعه در صورت سقوط اسد از قدرت". به‌ویژه از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، ایران کمک‌های مالی و

نظامی قابل توجهی را نیز برای حفظ قدرت اسد اختصاص داده است (Richards, 2015:52-53). همچنین پس از اینکه داعش به‌عنوان یک نیروی ضد شیعی در سوریه به کشتار غیر نظامیان شیعی پرداخت بهترین موقعیت را برای حضور ایران در سوریه فراهم کرد. با نقشی که ایران در براندازی داعش داشته استحکام روابط و وفاداری سوری‌ها به ایران را مضاعف و همچنین راه را برای نقش ایران در بازسازی روسیه باز کرد و راهی برای هژمونی طلبی و ابراز نقش منطقه‌ای ایران باز کرده است که می‌تواند هم در تعاملات و بده بستان‌های منطقه‌ای و هم در مجامع بین‌المللی روی رأی مثبت سوریه برای خود حساب باز کند.

از لحاظ ژئوپلیتیک به این نکته اشاره می‌شود که اینک عمق استراتژیک ایران گسترش یافته و در غرب تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته است. به‌طور کلی حضور نظامی مستشاری و مستقیم ایران در بحران سوریه بخشی جدایی‌ناپذیر از قدرت هوشمند ایران برای حفظ و توسعه نفوذ و ظرفیت منطقه‌ای خود می‌باشد (علی اکبرپور و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۸). بنابراین مرزهای لبنان و سوریه به‌عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. همچنین باید گفت ایران توانسته است از سیاست سوریه برای پیشبرد منافع خود در منطقه استفاده کند. به اعتقاد سردمداران وهابی وابسته به آمریکا و اسرائیل حاکمیت علویان در سوریه که متحد ایران است، نمونه عینی و مهمی برای تشکیل هلال شیعی در منطقه است. آنان عقیده دارند قیام شیعیان در یمن و ارتقای تأثیرگذاری شیعه‌تباران پاکستانی و افغانی در حکومتشان، از نشانه‌های توسعه شیعه و هلال شیعی است (معروف، ۱۳۹۲: ۲۷۴). نکته قابل تأمل اینکه روزی که اعراب ترس از هلال شیعی را گوشزد می‌کردند، فکر نمی‌کردند سوریه نیز به این گرایش روی آورد (معروف، ۱۳۹۲: ۲۷۶).

۱-۵. تغییر موازنه قدرت به نفع شیعه و جنبش‌های طرفدار ایران

در حال حاضر تغییر موازنه قدرت بین شیعیان و سنی‌ها نقش اصلی را در صحنه سیاسی نه فقط عراق بلکه در لبنان، افغانستان، پاکستان، جمهوری آذربایجان، عربستان سعودی و سایر کشورها دارد (التیامی نیا و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۵). واقع‌گرایان نئوکلاسیکی مانند روزنا به متغیر حکومتی و ساختار و فرآیندهای یک حکومت اشاره. آن‌ها معتقدند نحوه تصمیم‌گیری متغیر حکومتی عاملی است که به الگوی رفتاری یک حکومت شکل می‌دهد و در عین حال دولت‌ها نقش میانجی را بین متغیر سیستمیک و متغیر وابسته رفتار دولتی دارند و گزینه‌های مختلفی در

رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد (غریبی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸۹-۱۸۸). یکی از نشانه‌های رشد قدرت شیعی در سراسر منطقه خاورمیانه پس از تغییر رژیم در عراق-که نیروهای ایرانی در آن نقش داشتند- اجلاس علمای سعودی به درخواست شاهزاده عبدالله در تابستان ۲۰۰۳ است که با هدف شناسایی مواضع مشترک میان رهبران وهابی و شیعی در عربستان سعودی ترتیب داده شده بود. در سال‌های آینده، شیعیان با موانع کم‌تری در خصوص مرزهای انعطاف‌ناپذیر ملی‌گرایی، ایدئولوژیکی و رژیم‌های مستبد روبه‌رو خواهند شد و بنابراین فرصت آن را خواهند داشت تا بار دیگر بیش از هر زمانی در تاریخ اخیر، به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل شوند (نصر، ۱۳۸۶: ۲۴۵-۲۴۴). روی کار آمدن حزبی که پشتوانه شیعی و ایرانی در منطقه داشته است، موجب افزایش پتانسیل کارآمدی این قشر شده است تا جایی که کشورهای دیگر منطقه نیز توانسته‌اند انگیزه بگیرند و شیعیان در آن جا به دنبال نقش‌آفرینی بیشتر باشند. در عربستان سازمان‌هایی مانند حزب الله سعودی، التجمع العلماء الحجاز و الحرکه الاصلاحیه؛ حقوق سیاسی و مذهبی شیعیان را از نظام پادشاهی مطالبه می‌کنند و حتی شاهد رقابت‌های انتخاباتی شیعیان در عربستان نیز بوده‌ایم (محمدپور، ۱۳۸۵: ۲۶۷).

به عبارتی جنبش‌های سیاسی دین محور و مذهب پایه که در دهه‌های اخیر در مناطق مختلف جهان رخ داده است، تا حدی متأثر از سیاسی شدن مذهب شیعه در ایران است. هرچند بخشی از همین جنبش‌ها در قلمرو جهان اسلام سنی مذهب خود را در برابر سازه شیعه مذهب تعریف می‌کنند (احمدی، ۱۳۹۷: ۷۴-۷۳). تا پیش از انقلاب اسلامی، دین اسلام تنها یک دین بدون کارکردهای سیاسی محسوب می‌شد، اما پس از این بسیاری از نهضت‌های رهایی‌بخش و جنبش‌ها به آن توجه ویژه کردند همچنین پیوستگی جغرافیایی و جایگاه ویژه این خطه از جهان، به لحاظ دسترسی به عظیم‌ترین منابع نفتی بر اهمیت آن افزود (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۱۹۹). جنبش‌هایی را که در یمن و بحرین توسط شیعیان پیگیری شده است نیز می‌توان تحت‌تأثیر ژئوپلتیک شیعی دانست که ایران در آن نقش‌آفرینی می‌کند. این عامل خود باعث شده در رهبران این جنبش‌ها یک وفاداری ضمنی نیز ایجاد شود و خود را به طریقی هم‌راستا با ایران بدانند و در آینده احتمال اینکه بتوانند نقش پررنگ‌تری در کشور خود داشته باشند بیشتر شده که این عامل نیز نشان دیگری از نفوذ بهتر ایران را برای ایجاد پیوندهای مستحکم‌تر در منطقه فراهم می‌کند.

۲-۵. افزایش پتانسیل ژئوپلیتیکی (انرژی-جمعیت) به نفع ایران

ایران از این واقعیت آگاه است که موقعیت جغرافیایی و مسیرهای انرژی خود را که دارای موقعیت استراتژیک در میان اهداف استراتژیک ثابت و متغیر است، در اختیار دارد. ایران کشوری با کدهای ژنتیکی متفاوت از سایر کشورها از نظر سیاسی، جامعه‌شناسی و فرهنگی است. این کشور با پیروی از سیاستی متفاوت در ژئوپلیتیک جهان همراه با اعتقاد اعتراضی شیعه، امروز به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای می‌تواند صدایی در نظام بین‌الملل داشته باشد. در کنار آن باید گفت ایران که به سرعت در حال اجرای برنامه هسته‌ای خود است، واکنش‌های زیادی به‌ویژه از سوی بلوک تاریخی غرب، آمریکا و اسرائیل دارد (Karakus, 2020:122). با توجه به این مورد اگر جمعیت شیعه‌نشین در اطراف ایران فزونی یابد می‌تواند از نظر استراتژیک به نفع ایران باشد؛ زیرا اطراف آن از نیروهایی پر خواهد شد که به نفع منافع ایران عمل خواهند کرد.

در عربستان سعودی شیعیان روی بزرگ‌ترین حوزه نفتی این کشور در منطقه شرقی شامل شهرهایی چون قطیف و الاحساء زندگی می‌کنند و عملاً بخش اعظم کارهای اجرایی نفت را شیعیان انجام می‌دهند، تا جایی که چهل درصد کارگران شرکت آرامکو شیعه هستند؛ همچنین عربستان، در کشورهای عمان، عراق، بحرین، امارات، کویت و قطر نیز شیعیان در مناطقی زندگی می‌کنند که از مهم‌ترین مراکز نفت‌خیز منطقه به شمار می‌آیند. در واقع نبض جهان صنعتی تا چند دهه آینده در اختیار این مناطق خواهد بود. در نتیجه شیعیان منطقه از توانایی در ایفای نقش در منطقه و جهان برخوردار هستند (متقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۲).

در امارات نیز شیعیان بیشتر در دبی زندگی می‌کنند که از نظر تجاری پررونق‌ترین شهر منطقه محسوب شده و همچنین از نظر ذخایر انرژی نیز مهم می‌باشد. بحرین نیز کشوری است که دارای جمعیت قابل توجهی شیعه است اما ذخایر انرژی آن زیاد نیست. اما از نظر جمعیتی در صنعت نفت می‌توانند نقش مهمی را در این کشور ایفا کنند. در کویت و عمان نیز جمعیت شیعه قابل توجه بوده و میدان‌های مهم نفتی در این کشورها در جایی واقع شده که شیعیان در آن سکونت دارند. این نشان از تجمع مناسب جمعیتی شیعیان و تسلطی را که بر منابع نفتی دارند نشان می‌دهد. همچنین اکثر شیعیان این کشورها در امتداد یک خط ساحلی، مرزهای آبی منطقه خلیج فارس را در اختیار دارند و مهم‌ترین منابع نفت و گاز در مجاورت این خط ساحلی قرار

دارند و همین عامل اهمیت منطقه شیعه‌نشین را دوچندان کرده است (متقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵). همچنین جنوب عراق دارای موقعیت برتر در این کشور است. بغداد که پایتخت شیعیان است عملاً در اختیار شیعیان است که قبلاً سنی‌ها در آن حاکمیت داشتند (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۷۱-۱۶۹). نوری مالکی شخصی بود که منافع ایران را در این کشور دنبال می‌کرد و حزب‌های شیعی دیگر پس از او نیز دارای وفاداری به ایران هستند. بنابراین سیاست‌های شیعی را که در عراق دنبال می‌شود، می‌توان هم‌راستا با منافع ایران قلمداد کرد.

نوری المالکی در ۲۰۱۰ اعلام کرد در فهرست انتخاباتی در انتخابات پارلمانی در بصره، ۱۴ کرسی را به دست آورد که بیشترین جمعیت شیعه را دارد و ۲۰ درصد ذخایر نفتی خاورمیانه در این منطقه وجود دارد. بنابراین تبدیل شدن این منطقه به منطقه‌ای فدرالی به معنای توسعه یک منطقه شیعی موجب مخالفت اعراب سنی این کشور و عربستان شد؛ زیرا به معنی تحول منطق بازی‌ها به نفع ایران است که مورد قبول سعودی‌ها نمی‌باشد (نیری و انصاری، ۱۳۹۱: ۱۷۱). این عامل نشان می‌دهد از نظر جغرافیایی نیز وجود یک تراکم جمعیت در جنوب کشور که دارای چنین موقعیت خاص ژئوپلتیکی نیز است بر قدرت مدافع ایران می‌افزاید. در واقع بر اساس این اصل یک تجمیع جمعیتی را در اطراف خلیج فارس از جمعیت شیعه می‌توان مشاهده کرد. از نظر استراتژیکی این عامل برای امنیت ایران دارای اهمیت بسیاری است و نیروهای وفادار شیعی در گرداگرد ایران می‌تواند امنیت ایران را به گونه‌ای تضمین کند. به‌خصوص زمانی که از جانب کشورهای منطقه و فرامنطقه و حتی جنبش‌های ضد شیعی، مورد تهدید قرار می‌گیرد این مورد می‌تواند به‌عنوان یک نیروی حامی برای ایران عمل کند و ایران از این ظرفیت در مواقع حساس استفاده نماید.

۳-۵. پیگیری سیاست جمعیتی توسط ایران

سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران در خدمت سیاست افزایش پتانسیل شیعه است. جمهوری اسلامی ایران در اتخاذ ابتکارات مختلف برای اجرای سیاست شیعه‌خواهانه خود ثابت قدم بوده است. یکی از آن‌ها سیاست جدید جمعیتی است که هدف آن افزایش جمعیت ایران به ۱۵۰ میلیون نفر در آینده نزدیک است و در ابتدا توسط محمود احمدی نژاد در سال ۲۰۱۰ مطرح شد، رهبر معظم انقلاب، علی خامنه‌ای، این ایده را تأیید و آن را به یک پروژه استراتژیک تبدیل کرد.

هدف این پروژه که می‌توان آن را سیاست جمعیت‌گرا توصیف کرد، تقویت رشد جمعیت با تمام ابزارهای ممکن است (ladier fouladi, 2022:12). همچنین سیاست ایران در پذیرش مهاجران افغان، استخدام شبه نظامیان شیعه در ارتش پاکستان، سوریه، عراق و افغانستان از جمله مواردی است که وفاداری جمعیت شیعه را به ایران نشان می‌دهد. همچنین، ارتش سوریه نیز برای خود و خانواده خود تابعیت ایرانی اعطا کرده است. بنابراین، تغییر هویت سیاسی و فرهنگی برخی مناطق با جمعیت شیعیان وفادار به ارزش‌های ولایت فقیه و به‌عنوان مشارکت کامل در هویت ملی تجدید شده ممکن می‌گردد. این دلایل که در ایدئولوژی ریشه دوانده است، بعد جمعیت‌گرایانه سیاست جمعیتی جدید جمهوری اسلامی ایران را آشکار می‌کند که به دنبال افزایش تعداد افراد وفادار به ارزش‌های جمهوری اسلامی است (ladier fouladi, 2022:12-13).

۴-۵. فرصت مقابله با داعش و ایفای نقش فعال برای ایران

در باور واقع‌گرایان نئوکلاسیک بازیگران خرد و فرعی نیز در کنار جایگاه دولت در نظام بین‌الملل دارای اهمیت هستند. در این راستا آن‌ها به نهادهای اجتماعی و سیاسی نیز توجه دارند که عنوان متغیر میانجی در پیگیری سیاست خارجی یک کشور نقش اساسی دارند (غریبی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۸).

درحالی‌که جمهوری اسلامی ایران در ابتدا قصد داشت سیاست افزایش نفوذ خود را با هدف تسلط بر دولت عراق دنبال کند، حملات نظامی از سمت داعش نیز یک هدف جدید و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی بیشتر برای آن فراهم آورد. ایران از همان ابتدا شروع به کمک نظامی به سوریه کرد و با آموزش شبه نظامیان عراقی در قالب شپاه قدس وارد میدان عملی جنگ شد و آموزش شبه‌نظامیان جدید در عراق توسط ایران با نام «مدافعان حرم» انجام می‌شد تا بعداً به سوریه بروند (ladier fouladi, 2022:8).

در عراق نیز در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۴، با فراخوان آیت‌الله علی سیستانی برای جهاد علیه داعش ده‌ها هزار داوطلب شیعه در شبه‌نظامیان شیعه ثبت نام کردند و الحشد الشعبی (نیروی بسیج مردمی) را ایجاد کردند. این گروه متشکل از چندین گروه شبه نظامی از جمله بخش بزرگی از شیعیان طرفدار ایران مانند سازمان بدر بود (ladier fouladi, 2022:9). نیروی قدس بلافاصله از طریق شبه نظامیان شیعه خود وارد جنگ علیه داعش شد. پس از تقریباً چهار سال جنگ با

خشونت شدید، حشدالشعبی در ۹ دسامبر ۲۰۱۷، حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق پایان جنگ را اعلام کرد (ladier fouladi, 2022:10). مشارکت بسیار فعال سپاه قدس در این جنگ، نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در عراق را قدرتمندانه تقویت نمود. نفوذ آن نیز سیاسی بود. ادغام شبه‌نظامیان در نیروهای امنیتی کشور که در سال ۲۰۱۶ توسط پارلمان به تصویب رسید، تلویحاً نشان داد که دولت عراق نزدیک به ۱۲۲۰۰۰ جنگجو را استخدام کرده است که بسیاری از آن‌ها شیعیان طرفدار ایران بودند.

سپس آن‌ها در ۲۰۱۸ ائتلافی به نام اتحاد فتح تشکیل دادند که عمدتاً از گروه‌های طرفدار ایران تشکیل شده بود شامل: سازمان بدر، کتائب حزب‌الله، عاصیب اهل الحق و تیپ‌های امام علی. به مناسبت انتخابات قانون‌گذاری در این دوره قاسم سلیمانی فرمانده کل سپاه قدس فراتر از مأموریت‌های نظامی ظاهر شد و باعث تقویت محور مقاومت گردید. به گفته دکتر موفق الربیعی، مشاور سابق امنیت ملی عراق، به نقل از توبی دوج، قاسم سلیمانی «بی‌شک قدرتمندترین مرد در بغداد بود و فعالانه در روند تشکیل دولت در سال ۲۰۰۶، ۲۰۱۰، ۲۰۱۴ شرکت داشت» (ladier fouladi, 2022:10).

۶. چالش‌های پیش روی ایران

موضوعاتی مانند نقش‌آفرینی شیعیان در عراق و جنگ ۳۳ روزه باعث نفوذ بیشتر ایران در منطقه گردید. این موضوعات نگرانی کشورهای منطقه را به دنبال داشته است و معتقدند اقداماتی که امریکا در عراق انجام داده نیز به‌طور ناخواسته موجب قدرت‌گیری بیشتر ایران را فراهم نموده است و ایران در نظر دارد با حمایت از گروه‌ها و احزاب شیعی بلوک شیعی را ترتیب دهد (پوراحمدی و جمالی، ۱۳۸۸: ۸). افزایش اهمیت و وزن ژئوپلتیکی شیعه و در نتیجه فرصت‌هایی که موجب ایفای نقش فعال را برای ایران فراهم آورده موجب چالش‌هایی نیز برای این کشور شده است. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها افزایش ایران‌هراسی، افزایش نزاع‌های منطقه‌ای و رودررویی با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله عربستان و امریکا و همچنین افزایش ضدیت را با اسرائیل می‌توان اشاره کرد.

۶-۱. افزایش ایران‌هراسی

واقع‌گرایان نوکلاسیک به برداشت سطح واحدها توجه ویژه‌ای دارند. از نظر آن‌ها نوع برداشتی که از تهدید و قدرت از طریق ادراک نمایندگان دولت‌ها صورت می‌گیرد را نیز حائز اهمیت می‌دانند. سناریوی ساختگی هلال شیعی دقیقاً در راستای بهره‌گیری برای انزوای محور مقاومت اسلامی است. طراحان این سناریو معتقدند هلال شیعی، هلالی است که از جبل عامل شروع شده و پس از بین‌النهرین و سواحل خلیج فارس به‌ویژه مناطق نفت‌خیز شرق عربستان سعودی و فلات ایران تا قلب کوه‌های خراسان بزرگ ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد هدف از طرح هلال شیعی ایجاد نزاع منطقه‌ای و شکل‌دادن به یک درگیری با ویژگی‌های نژادی، قومی و دینی است (جمالی، ۱۳۸۶: ۱۱). همچنین ایران‌هراسی برنامه‌ای راهبردی در این راستا است که رفتار بازیگران نظام بین‌الملل این کشور را تضعیف شود. همچنین با این کار ایران‌هراسی در سطح منطقه نیز رواج می‌یابد (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۳). جیمز بیل ایران‌هراسی را ناشی از استقلال‌طلبی ایران از آمریکا می‌داند. آمریکا با این کار می‌خواهد با جهان‌بینی و نوع رفتار هژمون ستیزی ایران را تحت‌تأثیر قرار دهد (صادقی، ۱۳۹۸: ۳۹). ایران‌هراسی به مثابه پروژه‌ای است که به وسیله تبلیغات گسترده این توهم را القا می‌کند که اگر ایران قدرت یابد به تهدیدی جدی برای کشورهای منطقه تبدیل می‌گردد و از این طریق هزینه ارتقای قدرت ایران در میان کشورهای گوناگون و به‌خصوص کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس افزایش می‌یابد و ایران به تهدیدی بالفعل برای این کشورها تبدیل می‌گردد (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

۶-۲. افزایش نظامی‌گری اعضای شورای همکاری خلیج فارس

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به این نتیجه رسیده‌اند که تکیه بر توان انفرادی هر کشور برای مقابله با تهدیدهای خارجی و شورش‌های داخلی کاری عقلانی نمی‌باشد و برای دفاع خود به تقویت نیروی نظامی خود پرداختند (جمال‌زاده و آقایی، ۱۳۹۴: ۲۹). وقتی کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس به این باور رسیدند که جمهوری اسلامی ایران تهدیدی ضروری برای امنیت آن‌ها به‌شمار می‌رود، شاهد مسابقات تسلیحاتی بین این کشورها بودیم. آمریکا با تولید و پخش این ادعا که ایران یک تهدید برای آن‌هاست باعث شد توجه از رژیم صهیونیستی در منطقه کم شود و همگی به ایران به‌عنوان دشمن بزرگ‌تر توجه

کنند (جمالزاده و آقایی، ۱۳۹۴: ۴۳). برای این منظور نیز کشورهای حوزه سعی می‌کنند برای دفاع از خود به تجهیز نظامی بپردازند تا بتوانند امنیت خود را در برابر جنبش‌های شیعی و ایران تضمین نمایند که اکثر آن‌ها نیز توسط غرب و آمریکا تأمین می‌شود. برای نمونه رابطه بین آمریکا و امارات دارای جنبه‌های گوناگون و وسیعی می‌باشد. در ۱۹۹۵ توافق دوجانبه دفاعی بین دو کشور منعقد شده و امارات اجازه داد نیروهای آمریکا در این کشور مستقر شود. همچنین در سال ۲۰۰۹ قرارداد مربوط به همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای بین دو کشور منعقد شده است و در ۲۰۱۱ امارات متحده عربی اولین کشوری بود که به امضای قرارداد خرید سیستم ضد موشک بالستیک با آمریکا پرداخته است (یزدان پناه، ۱۳۹۳: ۱۱). در مجموع، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۷، رقمی نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار بودجه نظامی به طور رسمی داشته‌اند که اکثر آن، هزینه خریدهای تسلیحاتی از غرب شده است که به واسطه ایران‌هراسی بوده است. در سال ۲۰۱۷ امارات ۶۳ هزار، عمان ۴۷ هزار، کویت ۲۵ هزار، قطر ۲۲ هزار و بحرین نیز ۱۹ هزار نفر نیروی نظامی داشته‌اند. در این میان رقابت دو قدرت بزرگ ایران و عربستان برای جنگ‌های نیابتی نیز مورد توجه است که سعی دارند نظم منطقه‌ای را هر کدام به نفع خود تغییر دهند (سهیلی نجف آبادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۴-۱۶۳). این به غیر از تسلیحاتی است که عربستان به‌عنوان قدرت بزرگ و ایران در منطقه داشته‌اند. نکته مهم این که این تسلیحات از کشورهای غربی و آمریکا خریداری می‌شود. این کشورها با تحریک کشورهای منطقه و گوشزد کردن آن‌ها نسبت به خطر ایران به ایجاد پایگاه‌های نظامی نیز پرداخته‌اند.

۳-۶. تنش ایران و عربستان در منطقه

قرارگرفتن شیعیان عراق در کانون قدرت موجب نگرانی اهل سنت و عربستان شده است؛ زیرا هرچه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه افزایش یابد و شیعیان قدرت بگیرند به همان میزان از نفوذ و قدرت اهل سنت کاسته می‌شود. برای مقابله با آن عربستان دست به اقداماتی علیه ایران زده است، از جمله از راه جنگ‌های نیابتی، تقویت جنبش‌های غیر شیعی در کشورهای منطقه، اقدام به خرید تجهیزات نظامی بیشتر برای افزایش سیستم دفاعی در برابر ایران، همکاری بیشتر با غرب و ایجاد وحشت از ایران در بین کشورهای سنی منطقه، کارشکنی در بازار انرژی

به ضرر ایران به‌خصوص در زمانی که ایران تحریم بوده است. این‌ها مواردی است که چالش‌های اساسی برای ایران به وجود می‌آورد و مانع از نقش هژمونی‌طلبی ایران در منطقه می‌شود. عربستان با تکیه بر دلارهای نفتی گروه‌ها و جنبش‌های طرفدار خود را تقویت و به آن‌ها کمک مالی کرد و با این امتیازات اقتصادی به بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مداخلات خود را توجیح می‌کرد. هرچند عربستان قبل از ۲۰۰۳ نیز از فروش نفت کسب درآمد دلاری داشت اما شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی به گونه‌ای نبود که به استفادهٔ ابزاری و تهاجمی از ثروت نفتی را به او بدهد (حشمت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۱-۱۴۰).

از جمله مواردی که باعث برخورد ایران و عربستان می‌گردد انقلاب‌ها و جنبش‌های منطقه‌ای است. به طور مثال انقلاب بحرین با دارا بودن جمعیت اکثریت مسلمان برای کشورهای عربی هراس‌آور است. بحرین در همسایگی عربستان قرار داد و طرفداری ایران از جنبش‌های بحرین موجب نگرانی این کشور است. همچنین اگر بحرین در دست یک حکومت شیعه درآید، امریکا دیگر نمی‌تواند در این منطقه ناوگان دریایی داشته باشد و به نفع جایگاه ایران است. از طرفی جمعیت شیعهٔ عربستان نیز ممکن است سر به شورش بگذارند که از قضا بیشترین ذخایر نفتی عربستان در قسمت شیعه‌نشین این کشور است. سایر همسایگان بحرین نیز نگران هستند شهروندان‌شان از این حرکت الگو بگیرند (معروف، ۱۳۹۲: ۲۷۹). در واقع اعراب منطقه و غرب همگی ایران را در این حرکات سرزنش می‌کنند و این کشور را عامل برهم خوردن معادلات به ضرر خودشان می‌دانند.

یمن نیز در سال ۲۰۱۱ شاهد قیام مردمی بود. پس از اینکه در یمن حوثی‌های شیعی شروع به نقش‌آفرینی کردند که شیعه بودند، عربستان به مخالفت پرداخت زیرا این کشور خاورمیانه‌ای با محوریت خود را قبول دارد و حکومت شیعی در یمن را تهدید می‌داند و قیامی مانند انصارالله را در راستای گسترش ژئوپلیتیک شیعه، شکل‌گیری یک حکومت مستقل در یمن و حضور ایران در حیاط‌خلوت و تهدید می‌دانند. از این‌رو با نفوذ ایران و گسترش هلال شیعی یمن را مورد تهاجم و حمله نظامی قرار دادند (حشمت‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵۰). در سوریه نیز حکومت عربستان می‌خواهد نظام هم‌پیمان با ایران سرنگون گردد و منطقهٔ نفوذ خود را در کنار مرزهای ایران و در قلب محور مقاومت گسترش دهد. آن‌ها روی کار آمدن حکومتی در سوریه را حمایت

می‌کنند که در آن سنی‌ها برتری دارند. زیرا موجب برهم خوردن توازن قوا به سود خود می‌شود. آن‌ها می‌خواهند سوریه را از محور شیعی و تأثیرگذاری بر نظم و قدرت منطقه خلیج فارس و خاورمیانه خارج سازند (ترابی، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

۶-۴. تنش ایران و اسرائیل

با پیروزی انقلاب اسلامی و مخالفت علنی حکومت جدید ایران با قرارداد صلح کمپ دیوید، ایران به‌عنوان دشمن آمریکا و اسرائیل مطرح شد (جمال زاده و اقایبی، ۱۳۹۴: ۲۹). به‌طورکلی غرب آسیا برای غرب و آمریکا اهمیت دارد و اسرائیل به‌عنوان حافظ منافع برای آن‌ها است که در مقابل استکبارستیزی مسلمانان و به‌خصوص ایران به‌عنوان یک سپر عمل می‌کند. از زمان شکل‌گیری رژیم صهیونیستی تفکر تشیع انقلابی ایران بر ضدیت این رژیم بوده و روابط دو کشور خصمانه بوده است؛ زیرا ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای موجودیت اسرائیل را تهدید می‌کرد (دارا و بابایی، ۱۳۹۵: ۱۹۱-۱۹۰). اسرائیل با درک وجود اختلافات دامنه‌دار ایران و اعراب بر حضور مستقیم و هوشمندانه خود در کشورهای عربی خلیج فارس سرعت بخشیده و تعاملات استراتژیک را با کشورهایی مانند امارات متحده عربی و بحرین با چراغ سبز عربستان آغاز کرده است (حقیقت شناس و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴۳).

حمایت ایران در نوار غزه از نیروهایی مانند حزب‌الله که از چندین سازمان فلسطینی نیز حمایت می‌کند، کمک ایران به گروه‌های فلسطینی مانند حماس، جهاد اسلامی فلسطین (و جبهه مردمی برای آزادی فلسطین-فرماندهی عمومی) تهدیدی برای امنیت ملی اسرائیل محسوب می‌شود (Richards, 2015:24). این فعالیت‌ها که گاهی از آن تحت عنوان طرفداری ایران از ژئوپلیتیک شیعی نیز یاد می‌شود نزاع بین ایران و اسرائیل را دامن زده است. حوادثی مانند داعش در سوریه و حضور ایران در سوریه نیز تهدیدی برای اسرائیل است.

پس از حمله داعش به سوریه نیروهای شیعی طرفدار ایران به مناطقی دست یافتند که اسرائیل را بهتر مورد رصد قرار می‌دهند. به‌طور مثال بلندی‌های جولان هم شهروندان اسرائیلی و هم شهروندان سوری را در بر می‌گیرد و موقعیت استراتژیک برای اسرائیل فراهم می‌کند که دمشق را قابل مشاهده می‌کند. سوریه و اسرائیل بارها بر سر بلندی‌های جولان جنگیده‌اند، اما چیزی که برای اسرائیل نگران‌کننده‌تر و در نتیجه نگرانی آمریکاست، دسترسی ایران و حزب‌الله به این

سرزمین است. جنگجویان حزب‌الله در شمال اسرائیل در لبنان، حماس در غزه واقع شده‌اند و اکنون ایران حزب‌الله را در بلندی‌های جولان هدایت می‌کند. این محاصره به‌عنوان تهدیدی برای امنیت اسرائیل تلقی می‌شود، زیرا موفقیت ایران در بلندی‌های جولان می‌تواند یک بازدارندگی استراتژیک برای تهران در برابر دشمن اصلی خود در منطقه ایجاد کند (Richards, 2015:55). این عوامل به‌طورکلی بر دامنه‌ی اختلافات بین دو طرف افزوده است.

۶-۵. تنش آمریکا و ایران:

همان‌طور که در گزارش شورای آتلانتیک در اوایل سال جاری اشاره شد، ارکان استراتژی دفاعی ایالات متحده در خلیج فارس در رابطه با ایران عبارت‌اند از: بازدارندگی ایران از قدرت یابی بیشتر و حمایت از طرفداران خود در منطقه. مبارزه با تروریسم، تضعیف و نابودی افراط‌گرایان اسلام‌گرا که ایالات متحده و متحدانش را تهدید می‌کنند (saab and Barry, 2015). این مسائل حضور آمریکا در منطقه را توجیه می‌کند. در کنار آن ایجاد تنش با ایران نیز قوت بیشتری می‌گیرد. در واقع نوع رابطه‌ی سایر کشورها بر این مسأله تأثیر پذیرفته و یا بر آن تأثیر می‌گذارد، از جمله نوع روابط با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس (آرین منش و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷). همچنین علی‌رغم کاهش تدریجی اهمیت منطقه‌ی خاورمیانه در راهبرد کلان سیاسی-امنیتی این کشور، این منطقه همچنان از ظرفیت درآمدزایی برای آمریکا برخوردار است، آن هم از طریق فروش سلاح (سعیدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۶).

یکی از اهداف سناریوسازی‌هایی که آمریکا برای کنترل بر منطقه‌ی نفتی خلیج فارس انجام می‌دهد، ایجاد درگیری‌های فرقه‌ای و قومی-مذهبی است که آن را به هلال شیعی ربط داده و باعث می‌شود حضور دائمی در منطقه داشته باشد (متقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱). این خود عاملی مضاعف برای دشمنی بین ایران و آمریکا را رقم می‌زند. همچنین فعالیت ایران در کشورهای منطقه موردی است که آمریکا به آن حساس است. برای مثال نبرد برای نفوذ در لبنان نمی‌تواند توسط ایالات متحده نادیده گرفته شود، زیرا لبنان یک کشور کلیدی در پیشبرد سیاست امنیتی منطقه است. ایالات متحده از دیپلماسی و کمک‌های خارجی برای کمک به حفظ ثبات لبنان و خارج از کنترل ایران استفاده می‌کند. ایالات متحده هر یک از استراتژی‌های خود را در جهت دستیابی به اهداف منطقه‌ای خود در حفظ توازن قدرت منطقه‌ای، تأمین جریان آزاد نفت در

منطقه انجام می‌دهد. در عین حال، کمک‌های نظامی و برنامه‌های آموزشی را برای نشان دادن تعهد خود به امنیت اسرائیل و متحدان خلیج فارس و جلوگیری از تضعیف موقعیت آمریکا در برابر ایران دنبال می‌کند. یکی دیگر از موارد نزاع ایران و آمریکا را می‌توان عراق نام برد. از جانی آمریکا مدافع اسرائیل در منطقه است.

گرچه داعش در عراق از میان رفت، اما وجود گروه‌های شبه‌نظامی طرفدار ایران در این کشور، موجب شده تا آمریکا که ایران را در حال نفوذ شدید در عراق می‌بیند، به شدت واکنش نشان دهد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، ترور سپهد قاسم سلیمانی، بود (سهیلی نجف آبادی، ۱۳۹۸: ۱۷۷). مورد دیگر سوریه است. دوران پس از جنگ سرد رابطه آمریکا با سوریه شامل تعامل با سوریه برای کمک به حل مناقشه اعراب و اسرائیل بود. اما در درگیری در سوریه و جانبداری ایران از اسد باعث شد هر دو در محور شرارت برای آمریکا قرار گیرند که البته این رویکرد تقابلی منجر به روابط عمیق‌تر بین سوریه و ایران شده است، البته روابط ایران و سوریه بیشتر به تصورات مشترک تهدید استراتژیک دو طرف، ناشی از ایالات متحده و اسرائیل، بستگی دارد تا خاستگاه شیعی نخبگان حاکم آن‌ها (Richards, 2015:52).

نتیجه‌گیری

هلال شیعی طرحی که در منطقه توسط حاکمان سنی و با حمایت غرب و آمریکا پس از قدرت‌گیری شیعیان در منطقه به وجود آمد، زمینه‌ای را فراهم ساخته و فرصت‌هایی را در اختیار ایران قرار داده که این مقاله به ذکر آن‌ها پرداخته است. گسترش ژئوپلیتیک شیعی به دنبال داشتن منافع همچون خروج شیعیان از انزوا و ایفای نقش فعال باعث افزایش موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و نقش‌آفرینی در برابر اعراب سنی می‌گردد و به‌خصوص استفاده از پتانسیلی حضور شیعیان در دستگاه‌های اجرایی کشورهای منطقه را فراهم ساخته که در پیگیری اهداف و رویکردهای موافق ایران در کشورهای اطراف منطقه افزایش می‌یابد. افزایش جمعیت شیعه در اطراف ایران نیز امنیت را برای ایران گسترش می‌دهد. به‌خصوص در مناطق مرزنشین که درگیری‌های قومی مذهبی زیاد است افزایش غالب بودن جمعیت شیعی می‌تواند به نفع ایران باشد. در کنار آن می‌تواند گفت طرح هلال شیعی تنش‌ها و درگیری‌ها را در منطقه افزایش می‌دهد. براساس

تعریفی که در واقع‌گرایی نوکلاسیک آمده است یک رابطه دوسویه بین متغیرهای سیستمی و دولتی وجود دارد و برداشت از تهدید و نوع واکنش به یک تهدید نیز بر اساس عقلانیت فایده و سود و فشارهای وارده از سیستم بر یک کشور مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این خصوص می‌توان گفت تحریک عوامل فرامنطقه‌ای و تشدید نظامی‌گری در منطقه نوعی واکنش را در سطح منطقه علیه ایران به دنبال دارد. به‌خصوص که مسائل ایدئولوژیکی در این منطقه همچون عاملی تهدیدزا در نظر گرفته می‌شود و بعد غیرمادی قدرت را تداعی‌گر است. این برداشت تهدیدگونه درنهایت می‌تواند موجب انزوای ایران گردد. از طرفی قدرت‌های سیستمی و فرامنطقه‌ای همچون آمریکا با خطرناک جلوه دادن ایران در بین سنی‌ها و شیعیان شکاف و دودستگی به وجود آورده و در عین حال ایران با چالش‌های بیشتری با اسرائیل دست و پنجه نرم می‌کند. اسرائیل با طرح هلال شیعی توانسته اعراب منطقه را به سوی همراهی با خود بکشاند و این چالشی بزرگ برای ایران در آینده خواهد بود. لازم است تا در عین اینکه پیوند شیعه در منطقه در حال رشد است، لازم است مسئولان از خطرات و کارشکنی‌هایی که این مورد می‌تواند برای ایران داشته باشد آگاه بوده و از بروز مشکلات بیشتر جلوگیری نمایند. مطلوب است برای رسیدن به منافع با راهکارهای مسالمت‌جویانه در پیشبرد منافع به ایفای نقش پرداخته شود.

فهرست منابع

- احمدی، سیدعباس (۱۳۹۷)، «تبیین مفهومی ژئوپلیتیک شیعه (ارائه تعریفی جدید)»، ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره اول: ۸۱-۵۷.
- اکبری، حسین (۱۳۸۸)، بحران حاکمین در عراق، تهران: نشر اندیشه‌سازان نور.
- آرین‌منش، محمد؛ جوانشیری، احمد؛ مدیرشانه چی، محسن (۱۳۹۷)، «عوامل مؤثر بر مناسبات ایران و آمریکا»، دو سیاست و روابط بین‌الملل، سال ۲، شماره ۲: ۳۰-۹.
- پوراحمدی، حسین؛ جمالی، جمال (۱۳۸۸)، «طرح هلال شیعی: اهداف، موانع و پیامدها»، شیعه‌شناسی، سال ۷، شماره ۲۶: ۷-۵۶.
- ترابی، قاسم (۱۳۹۰)، «رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی در تحولات جهان عرب و امنیت جمهور اسلامی ایران»، پژوهش‌نامه دفاع مقدس، سال ۱، شماره ۲.
- توال، فرانسوا (۱۳۷۹)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه علیرضا قاسم آقا، تهران: آمن.
- التیامی‌نیا، رضا؛ نظری، محمد؛ خالدی، حسین؛ دلالت، مراد (۱۳۹۵)، «تحلیل پیامدهای منطقه‌ای ژئوپلیتیک شیعه در دوران پسااندام»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۱۹: ۸۸-۷۳.
- جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۱)، «ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، ژئوپلیتیک، سال ۸، شماره ۲: ۶۲-۲۹.
- جمال‌زاده، ناصر؛ آقائی، محمد (۱۳۹۴)، «تأثیر ایران‌هراسی در رقابت تسلیحاتی اعضای شورای همکاری خلیج فارس»، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۶، شماره ۱: ۴۷-۱۹.
- جمالی، جمال (۱۳۸۶)، «هلال شیعی و هژمونی آمریکا»، شیعه‌شناسی، شماره ۲۰.
- حشمت‌زاده، محمدباقر؛ قائمی، یاسر، جمور، لیلا (۱۳۹۷)، «سیاست‌های منطقه‌ای ستیزه‌جویانه عربستان سعودی در قبال ج.ا. ایران (۲۰۰۳-۲۰۱۷): دلایل، اهداف و پیامدها»، راهبرد، سال ۲۷، شماره ۸۸: ۱۵۹-۱۳۳.
- حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۲)، «واقع‌گرایی نوکلاسیک: از سیاست بین‌الملل تا سیاست خارجی»، سیاست خارجی، سال ۲۷، شماره ۳: ۶۷۸-۶۵۹.
- حقیقت‌شناس کامچالی، علی؛ فرجی‌راد، عبدالرضا؛ قربانی نژاد، ریواز (۱۴۰۰)، «تأثیر تحولات ژئوپلیتیک کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با محوریت عربستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۳: ۲۴۶-۲۲۷.

- دارا، جلیل؛ بابایی، محمود (۱۳۹۵)، «شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی؛ رهبرد آمریکا برای حفظ رژیم صهیونیستی»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۴: ۲۰۸-۱۸۹.
- سعیدی، محسن؛ جاودانی مقدم، مهدی؛ حیدرپور، ماشاءالله (۱۴۰۰)، «ارزیابی زمینه‌های تغییر و استمرار در راهبرد سیاسی-امنیتی آمریکا در خاورمیانه (۲۰۲۱-۲۰۰۱)»، سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۱۰: ۳۱-۵۰.
- سلیمی، حسین؛ ابراهیمی، منار (۱۳۹۳)، «مبانی نظری، فرانظری و نقد نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۱: ۱۳-۴۲.
- سهیلی نجف‌آبادی، سهیل؛ کشیشیان سیرکی، گارینه، قانلی، محمدرضا، سیمبر، رضا (۱۳۹۸)، «بررسی تأثیر سیاست‌های نظامی بر امنیت منطقه‌ای خلیج فارس»، مطالعات بین‌الملل، شال ۱۶، شماره ۱: ۱۸۲-۱۵۵.
- شریعی‌نیا، محسن (۱۳۸۹)، «ایران‌هراسی، دلایل و پیامدها»، فصل‌نامه بین‌المللی روابط بین‌الملل، سال دوم، شماره ۶.
- ضرغامی، برزین؛ شوشتری، سیدمحمد، انصاری، سلمان (۱۳۹۳)، «ژئوپلیتیک شیعه یا هلال شیعه (مبانی، اهداف و رویکردها)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۱: ۲۱۴-۱۹۷.
- علی اکبرپور، رضا؛ کشیشیان سیرکی، گارینه؛ دهشیری، محمد رضا و اکبر ولی‌زاده (۱۳۹۸)، «تحول مفهوم قدرت و تأثیر آن بر سیاست منطقه‌ای دولت جمهوری اسلامی ایران»، سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۳، شماره ۶: ۲۴۱-۲۱۳.
- غریبی، حسین؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ نقیب‌زاده، حمد؛ برزگر؛ کیهان (۱۴۰۰)، «تأثیر ساختار قدرت دولت عربستان سعودی بر الگوی رفتار خارجی این کشور به‌ویژه در قبال جمهوری اسلامی ایران»، جامعه‌شناسی جهان اسلام، دوره ۹، شماره ۱: ۲۲۰-۱۸۵.
- فولر، گراهام و فرانکه، رندرحیم (۱۳۸۴)، ژئوپلیتیک عرب مسلمانان فراموش‌شده، چاپ اول، ترجمه خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه‌شناسی.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ بشیری، سعید (۱۳۹۴)، «آیت‌الله‌سیستانی در روند دولت‌سازی در عراق پس از سقوط صدام»، پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، دوره ۸، شماره ۳۰: ۲۵۳-۲۱۵.
- کولایی، الهه؛ عابدی، عقیقه (۱۴۰۱)، جمهوری اسلامی ایران در ادراک‌های رهبران روسیه، تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی تهران.

متقی، افشین؛ رشیدی، مصطفی؛ معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۲)، «بررسی نقش ژئوپلیتیک انرژی در مفهوم‌سازی هلال شیعی»، پژوهش‌های سیاسی اسلامی، سال ۱، شماره ۳: ۱۷۲-۱۴۷.

محمدپور، علی (۱۳۸۵)، ژئوپلیتیک شیعه در خاورمیانه پس از حمله آمریکا به عراق، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.

معروف، یحیی (۱۳۹۲)، «ویژگی‌های جغرافیایی قلمروهای شیعه‌نشین «هلال شیعی»»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳: ۲۸۴-۲۶۹.

نصر، ولی (۱۳۸۶)، پیامدهای منطقه‌ای ناشی از احیای شیعی در عراق، مقاله چاپ‌شده در مجموعه مقالات سامان سیاسی در عراق جدید، به کوشش امیرمحمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی‌نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

نیری، بیژن، انصاری، محمدامین (۱۳۹۱)، «نقش قومیت‌ها در تکاپوی فدرالیسم نوین سیاسی عراق»، پژوهش‌نامه روابط بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۲۰: ۱۹۵-۱۶۳.

یزدان پناه، محمد (۱۳۹۳)، تشدید رقابت تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه: دلایل و پیامدها، تهران: مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.

Brancati, D., 2004. Can Federalism Stabilize Iraq? *The Washington Quarterly*, 27, 7-21.

Cole, J., 2014. Top 10 mistakes of former Iraq PM Nouri al-Maliki (that ruined his country). *Juan Cole's Blog*, [online]. Available from: <http://www.juancole.com/2014/08/mistakes-Maliki-country.html>.

Evans, G. (2003). Only self-rule will bring stability to Iraq. *The Crisis Group*. Op-ed, Middle East & North Africa, 26 August. [online]. Available from: <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/iraq/only-self-rule-willbring-stability-iraq>.

Rose, Gideon(1998), Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy, World Politics, Published by: Cambridge University Press, Vol. 51, No. 1 (Oct., 1998), pp. 144-172.

Goodarzi, Jubin(2013), "Iran and Syria at the Crossroads: The Fall of the Tehran-Damascus Axis?" Page 5. Woodrow Wilson International Center for Scholars.

Karaku, Girayalp(2020), Iran Real Politics and Political Motivation of Shiite, *Journal of Social Sciences of Bilecik Sheikh Edebali University*.

Keskin, A. (2008), "Şii Jeopolitiği ve İran" Hedef Neden İran, Hazırlayan:Mehmet Tuncel, Etkileşim Yayınları, İstanbul. Ladier-fouladi

- , Marie(2022), Iran-Iraq Relations and Pan-Shia Strategies, <https://hal.science/hal-03913440>.
- Marie Ladier-Foulad(2022),Iran-Iraq Relations and Pan-Shia Strategies,<https://hal.science/hal-03913440>. Preprint submitted on 27 Dec 2022.
- Richards, Aaron Michael Craig (2015).Iran as a Strategic Threat to the U.S. in the Middle East and Its Impact on U.S. Policy in the Region .MSU Graduate Theses. 1502. <https://bearworks.missouristate.edu/theses/1502>.
- Saab, Bilal Y., and Barry Pavel(2015), “Artful Balance: Future US Defense Strategy and Force Posture in the Gulf.” Atlantic Council. Mar. http://www.atlanticcouncil.org/images/publications/ACUS_ArtfulBalance_WEB.pdf